

## گزارش

# نشست «گفت‌وگوهای روایی در مغنل‌های تاریخی-داستانی»

سخنران:

زهرا حیاتی

دبیر علمی:

مالک شجاعی

یکشنبه، 11 شهریور ماه 1403، ساعت: 10 تا 12

سالن ادب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در این نشست دبیر علمی دکتر مالک شجاعی رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع) ضمن سلام و خیر مقدم به اساتید و پژوهشگران و علاقمندان حوزه فرهنگ و اندیشه و سیره پژوهی، از سرکار خانم دکتر حیاتی که دعوت مرکز را برای ایراد سخنرانی پذیرفتند تشکر کردند و افزودند در مرحله جدید فعالیت های مرکز تحقیقات امام علی (ع) یکی از محورهای که در برنامه ریزی ها محل تأمل بوده است چه برنامه های آموزشی چه پژوهشی و چه ترویجی مبنا قرار گرفته است گفتگوی علوم انسانی و سیره پژوهی بوده است و در وبگاه مرکز ادبیات خوبی در فضای علوم انسانی و سیره پژوهی قابل ملاحظه و مطالعه است و وضعیت مطالعات شیعه پژوهی در جهان و ایران را سعی شده است به نوعی رصد شود. آنچه به نظر می رسد جایش همچنان خالی است رویکرد های جدید در مطالعات علوم انسانی و روش شناسی های علوم انسانی در بازخوانی سیره و تاریخ اسلام هست و بحث نشست امروز یکی از زمینه های بکر و نوآورانه است در مواجهه با بخشی از سیره، تحت عنوان مقتل نویسی ادبیات مقتل نگاری به آن می پردازند.

دکتر شجاعی سپس با قرائت یک حدیث از حضرت امام رضا (ع) از کتاب عیون اخبار الرضا که به همت مرحوم شیخ صدوق تدوین شده است از دکتر حیاتی دعوت کردند سخنرانی خود را ارائه کنند .

در ادامه نشست دکتر حیاتی ضمن سلام و خیر مقدم به حضار سخنان خود را با شعری از نظامی گنجوی در ستایش پیامبر اسلام و گله از چیره شدن فریبکاران در پوستین دین و این شروع کرد و ادامه داد مقتل ها یا «مقتل الحسین» ها با این فرض که نگارش هایی هستند که به «گزارش تاریخی واقعه کربلا» پرداخته اند، همواره با این پرسش روبرو هستند که آیا آنچه در این نگاشته ها آمده، یک واقعیت تاریخی است یا یک برساخته داستانی ؟

حیاتی افزود مسئله این است اگر در این نگاشته ها، روایت ها یا خرده روایت های برساخته (داستانی) وجود داشته باشد، چگونه باید با آن مواجه شدغ به عنوان «تحریف تاریخ» یا «مواجهه هنری با تاریخ»؟

حیاتی در ادامه به سیر تاریخی مقتل نگاری اشاره کرد و اذعان داشت دانش ما درباره مقتل و مقتل نگاری، و به ویژه نگاه انتقادی ما به درستی یا نادرستی فحوای این نوشته ها، بیشتر به نگاه مقتل پژوهان و عاشورا پژوهانی گره خورده است که این متون را بر اساس «اعتبار تاریخی» دسته بندی کرده، و یک خط کشی تقویمی به دست داده اند.

- نوشته های قرن دوم تا هفتم: گزارش های تاریخ معتبر و مستند
- نوشته های قرن هشتم تا چهاردهم: نگارش های ادبی و داستانی - تاریخی

در ادامه حیاتی افزود ما با یک دوگانه تاریخی / تاریخی - داستانی در مقتل نگاری و حرکت مقتل نگاران از «چه گفتن» به «چگونه گفتن» روبرو هستیم. و انگیزه های مختلف متنی و فرامتنی موجب شده مقتل نویسی از نوشتن یک گزارش تاریخی محض، به سمت و سوی نوشتن گزارش تاریخی با پردازش ادبی و داستانی (روایت پردازی) حرکت کند.

حیاتی افزود مرور اجمالی شیوه های نگارش تاریخ و به ویژه تاریخ کربلا نشان می دهد:

پس از افزایش و انبوهی مطالب گردآوری شده تاریخی، وثایع نگاران از شیوه های جدیدی در سند دهی و صورت بندی استفاده کردند که به تدریج زمینه های تغییر در مقتل نگاری را فراهم کرد.

در ادامه نشست حیاتی به چشم انداز تغییرات شیوه نگارش مقتل را بدین ترتیب ترسیم کرد که

– کهن ترین گزارش ها:

راوی، شخصیت حاضر در کربلا است ...

– قرن دوم:

روای منتسب به یا مرتبط با افراد حاضر در کربلاست .... ← راوی – نویسنده چیره دست است (ابومخفف: وقعه الطف)

– قرن سوم:

روایان – نویسندگان افزایش پیدا می کنند (15 مقتل فهرست شده)

..... تا این جا اثری در دست نیست

قرن چهارم:

روایان – نویسندگان افزایش پیدا می کنند (15 مقتل فهرست شده)

-عطف مقتل نویسی، به سبب تغییر در شیوه سندی و بروز سه شیوه متفاوت:

- اسناد: ذکر مطلب با ذکر راوی مطلب

- ترکیب چند روایت و یکجا آوردن سندها
- حذف سند و ترکیب روایت ها بدون سند ....

- قرن های پنجم و ششم:

بروز خلاقیت و نوآوری در شیوه صورت بندی مطلب، مانند:

- نظم دادن مطالب در قالب «مجلس» .... نزدیک شدن به روایت شفاهی مخاطب پسند
- گسترده تر کردن بازه تاریخی گزارش ها (از قبل ولادت امام حسین تا وقایع بعد از شهادت)
- نقل برخی از گزارش ها برای اولین بار (و گاهی بدون سند)
- گزارش واقعه عاشورا به زبان فارسی و در قالب شعر

- قرن هفتم:

همه خلاقیت های پیشین در شیوه سند دهی و صورت بندی به یک اصل و سنت تبدیل می شود (اصرار بر صورت بندی های جدید؛ نگارش مرثیه با انتشار ادبی؛ گزارش هایی برای نخستین بار و ...)

..... تا اینجا مقتل ها گزارش تاریخی هستند.

- قرن هشتم تا چهاردهم:

افزون بر عوامل متنی فوق که ناخواسته مسیر گزارش نویسی تاریخی را به روایت پردازی ادبی تغییر می دهد، عوامل فرامتنی، آگاهانه و خودخواسته، نویسندگان را به برخورد هنری با عاشورا سوق می دهد، مانند «تغییر گفتمان اسلام سنی به اسلام شیعی در ایران» که مستلزم جهت دهی احساسات و عواطف است.

..... از این جا روایت به دو گروه سپرده می شود:

پژوهشگران حوزه دینی و نویسندگان چیره دست مانند حسین واعظ کاشفی

حیاتی در ادامه بحث به دو شیوه مقتل نگاری که به موازات هم ایجاد شدند اشاره کرد: گزارش نویسی تاریخ – روایت پردازی واقعه تاریخی، سپس افزود در همان قرن چهارم که افرادی مانند ابوالفرج اصفهانی (مقاتل الطالین)، روایت ها را با هم ترکیب می کند و سندها را یکجا ذکر می کند، یا ابن اعثم کوفی (الفتوح) روایت ها را بدون سند با هم ترکیب می کند، شیخ صدوق یکی از معتبرترین مقتل های حدیثی (مقتل الحسین) را می نویسد و در همان قرن پنجم و ششم که فتال نیشابوری (روضه الواعظین و بصیره المتعظین) مطالب خود را در قالب مجلس ساماندهی می کند و توجه مخاطب را علاوه بر محتوا به شکل اثر هم جلب می کند؛ یا ابن شهر آشوب گزارش تاریخی خود از ولادت تا شهادت امام حسین گسترده می کند، شیخ مفید یکی از معتبرترین مقتل ها (الأرشاد) را می نویسد. و در همان قرن هفتم که مقتل نگاری به شدت افول می کند و وقفه ای پیش می آید که توجه نویسندگان را از محتوای معتبر تاریخی به آفرینش های خلاق ادبی هم جلب می کند، فرهاد میرزا معتمد الدوله اثر پژوهشی بسیار معتبری با عنوان قمقام زخار و صمصام بتار را می نویسد.

حیاتی در خصوص اطلاق «تحریف» یا بازشناسی «هنر روایتگری»؟! در پاسخ کوتاهی عنوان کرد گزاره های ادبی مشمول صدق و کذب نیستند؛ همان گونه شاهنامه فردوسی بر اساس انطباق یا عدم انطباق با واقعیت های تاریخی ایران باستان ارزیابی نمی شود.

این آثار با هدف تغییر یا تثبیت یک گفتمان، روایتی هنری از تاریخ به دست می دهند تا از طریق عواطف و احساسات، خواسته ها و تمایلات را به امری نزدیک یا از آن دور کنند. در حالی که تحریف امری است مربوط به شیوه های بازگویی پسینان ...

در ادامه نشست حیاتی ضمن بیان سه نمونه از مقتل های تاریخی - داستانی ، از نقل گفتگوی شخصیت های کربلا که به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم هست سخن گفت و افزود: به طور خلاصه، در هر روایت، راوی گفتگو شخصیت ها یا افکار درونی آن ها را می توان به چند شیوه نقل کند که تأثیرگذار باشد.

در نقل مستقیم: همه چیز سمت و سوی شخصیت است ← ارتباط با خود یا شخصیت دیگر پررنگ است ← حقیقت نمایی بیشتر است ← متن مستعد اجرا و نمایش است.

در نقل غیر مستقیم: تعبیرها بیشتر سمت و سوی راوی است ← ارتباط راوی با خواننده پررنگ است ← بازنمایی صادقانه و واقع گرایانه زندگی بیشتر است ← متن مستعد پرورش دلالت های ضمنی ادبی است.

حیاتی در ادامه سخنان در خصوص نقش «زبان حال» در گفتگوپردازی مقتل های تاریخی - داستانی اذعان داشت؛ زبان حال، گفتگوی فرضی است که نویسنده یا سراینده یک روایت از زبان شخصیتی بیان می کند و آن شخصیت در رخداد واقعی، چنان کلامی بیان نکرده است. استفاده از تعبیر زبان حال به قرن پنجم برمی گردد و ظاهراً نخستین کسی که از این تعبیر استفاده کرد، ابوحامد محمد غزالی (250-505 ق) بوده است. او این تعبیر را در تفسیر یا تأویل آیاتی از قرآن به کار برده است که در آن ها سخن گفتن و شنیدن به موجودات بی زبان و ماورای طبیعی نسبت داده شده است.

مقتل نگاران از این شیوه برای بسط روایت بهره بردند؛ بدین معنا که جزئیاتی را از زبان شخصیت ها بیان کردند که در متون تاریخی موجود نیست، و در واقع توصیف فرضی نویسنده از آن واقعیت است که متناسب فهم اوست؛ یا فرض می شود که اگر آن شخصیت ها می خواستند سخنی بگویند، چنین می گفتند.

نکته قابل توجه این است که مقتل نویسانی که به سرودن زبان حال پرداختند، در بیشتر مواقع به صراحت گفته اند که این اشعار، زبان حال شخصیت است. اما بسط گفتگوهایی که به زبان حال آمده، این حضور راوی را محو کرده و گفتار مستقیم شخصیت بر حضور راوی چیره شده و همین امر سبب ساز مشتبه شدن زبان حال با زبان قال، و «تاریخی» قلمداد کردن «بیان هنری» شده است.

حیاتی در ادامه ضمن برشمردن انواع زبان حال، افزود سه نوع زبان حال در مقتل های تاریخی - داستانی با ساختار نقل قول مستقیم گفتار وجود دارد:

گفتگو - زبان حال های پیش از نبرد، گفتگو زبان حال های هنگام نبرد و گفتگو زبان حال های پس از نبرد در انتهای نشست حیاتی برای هر یک از این زبان های حال نمونه هایی معرفی کرده و سخن خود را پایان داد.

